

خبر

قاسم افشار:

مردم به خاطر صدای بازیگر مشهور به کنسرتش نمی‌روند



بخش فرهنگی – قاسم افشار خواننده پاپ کشورمان درباره گله از صداسویما برای نوحه‌ای که خوانده بود و حمایت نشد، گفت: چند سال پیش خودجوش این کار را ضبط کردم برای ایام محرم و صفر. مداحی نبود. موسیقی بود با ترانه‌ای از عبدالجبار کاکایی. از شعر و ملودی ایراد گرفتند و حمایت نشد. رسانه ملی باید از این کار فاخر و ترانه فاخر حمایت می‌کرد.

او ادامه داد: من همه هزینه‌ها را خودم دادم. کارهای اینظوری معمولاً سفارشی هستند. خواننده‌ها برای ماه محرم کمتر می‌خوانند مگر اینکه از سازمان یا رادیو سفارش داده می‌شود. من خودجوش این کار را انجام دادم اما هیچ گونه حمایتی نشد. قاسم افشار که مهمان برنامه «باغ رمضان» بود، درباره اینکه چرا کنسرت برگزار نمی‌کند، گفت: یک مقدار سخت است کنسرت برگزار کردن و گرفتن سالن خیلی سخت شده است. یک نوعی کاسبی راه افتاده است در مجموعه‌ها. از شروع کار زمان مجوز و گرفتن سالن مراحل خیلی خیلی بدی دارد؛ برای مثال سه سال پیش مجوز از ارشاد گرفتم و سالن ندادند. گفتند جا نداریم. در خیابان هم که نمی‌توانم اجرا کنم. نگذاشتند و تا به الان هم نشده. در سال جدید و بعد از کرونا احتمالش زیاد است. افشار در ادامه بیان کرد: در حوزه شعر و کلام کارهای تاثیرگذاری داریم و از لحاظ شعری غنی هستیم. اما در موسیقی پاپ در هشت سال گذشته به شعر بهای کمی داده شده است. بار شعری کارها بسیار ضعیف است و ملودی‌ها و تنظیم‌ها تکراری است. البته در همین وادی هستند کسانی که خوب هستند اما انگشت شمارند. علیرضا افکاری و نیکان ابراهیمی آهنگسازان خوبی هستند.

او در ادامه در پاسخ به مجری بعد از شنیدن اسامی برخی از خوانندگان پاپ گفت: حامد همایون کسی است که می‌خواند. بهنام بانی صدای خوبی دارد و قوی هم می‌خواند.رضا بهرام صدایش خوب است اما سلیقه مند نیست. شهاب مظفری هم صدای سوزناکی دارد.

قاسم افشار همچنین درباره اینکه آیا با خوانندگی چهره‌های مطرح موافق است، توضیح داد: من نمی‌توانم برای دیگران تصمیم بگیرم اما معمولاً جواب نمی‌دهد. شاید یک هنرپیشه معروف کنسرت بگذارد و مردم به خاطر محبوبیت می‌روند نه به خاطر صدایش. خوانندگی فقط خواندن نیست. چیزهای زیادی است که خواننده باید از پیش بربیاید. به خاطر محبوبیت شاید سانس‌ها پر شود اما معمولاً نگرفته است.

او در پایان گفت: به حریم خصوصی افراد احترام بگذاریم. امیدوارم روزی برسد که کمتر قضاوت کنیم.

خبر

غلامحسین سالمی عنوان کرد

یک سری شاعر منتظرند کسی بمیرد یا جایی دعوا شود تا برایش شعر بگویند!

بخش فرهنگی – غلامحسین سالمی می‌گوید: ما یک‌سری شاعر داریم که منتظر نشتنه‌اند تا واقعه‌ای رخ بدهد، کسی بمیرد و یا جایی دعوا شود تا برایش شعر بگویند.

این مترجم درباره حال و احوالش در این روزهای کرونایی، گفت: کار که انجام دادم و به‌نظر خودم بد نبود، ۲۷ شعر از شاعران مطرح قدیم و جدید را خواندم؛ شعرهایی از نیما یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، و رضا بهمنی، اسماعیل خویی، نادر نادری‌های محمود اعتمادزاده، م. آزاد، منوچهر آشتی، سهراب سپهری، سیمین بهبهانی، سعدی، حافظ، سیفال‌الدین محمد فرغانی و وحدت کرمانشاهی. این‌ها برای انتشار و فروش نیست، نهایتاً چندتایی منتشر کنیم و به دوستان کادو بدهیم. در این مدت یک‌سری هم جدول حل کردم (با شوخی) تا ببینیم فرجام‌مان چیست. البته در این دوران کرونا «بدروز اناطولی» از من منتشر شد که نزدیک به سالگشت همان واقعه بود؛ کتاب درباره کشتار مسیحیان به‌ویژه ارمنه در ترکیه و روی کار آمدن ترکان جوان به رهبری مصطفی کمال پاشا (اتاتورک) است.

سالمی سپس درباره نوشتن یا سرایش درباره موضوعاتی مانند کرونا، بیان کرد: ما یک‌سری شاعر داریم که گویا نشتنه و منتظرند واقعه‌ای رخ بدهد، کسی بمیرد، کج‌جایی دعوا شود و… تا برایش شعر بگویند. این شعرها هم آن‌قدر آسان است که می‌شود آن‌ها را صادر کرد (یعنی بنشینید و بنویسید). برای کرونا، برای فلان هنرمند و… مثلاً سال به سال نمی‌پرسند آقای انتظامی و آقای مشایخی و آقای رشیدی چه می‌کنند و حال‌شان چطور است، اما همین‌که خبر منتشر می‌شود که انتظامی فوت کرد، شروع به صادر کردن شعر می‌کنند «ای انتظامی زانبین و آقای بازیگر، ای فلان و بسیار». این کرونا هم جای خود. البته یک‌سری نوشته هم هست که سال‌ها در کشوها می‌ماند و در وقت مناسبی بیرون می‌آید، زمانی که این کاغذها بیشترشان زرد و رنگ‌باخته شده‌اند.

سالمی همچنین گفت: تنها نکته مهمی که در این دوران وجود دارد این است که آدم نمی‌تواند دوستانش را ببیند و ندیدن دوستان و بیرون نرفتن خیلی بد است. صرف‌نظر از سن و سال، به‌دلیل بی‌تحریکی شکمم جلو آمده است. به قول شاعر که می‌گفت «دیدم شکمی ز دور پیداست/ بعد از دو سه روز فلانی آمد». هی می‌گویند می‌شود در خانه ورزش کرد، در تلویزیون هم نشان می‌دهند، اما نمی‌شود در خانه ورزش کرد. ورزش در دست را باید در پارک یا ورزشگاه انجام بدهی، نه در خانه من که سر ۷۰ متر نمی‌شود و ۵۰ مترش را هم کتاب گرفته است. این‌طور نمی‌شود ورزش کرد. امیدواریم این موضوع برطرف شود. امیدواریم تمام آمار صحیح باشد و آمار کمتر هم بشود. امیدواریم نه یک مبتلا پیدا شود و نه فوتی و ان‌شاءالله همه در عافیت و سلامتی باشند.

{فرهنگ و هنر }

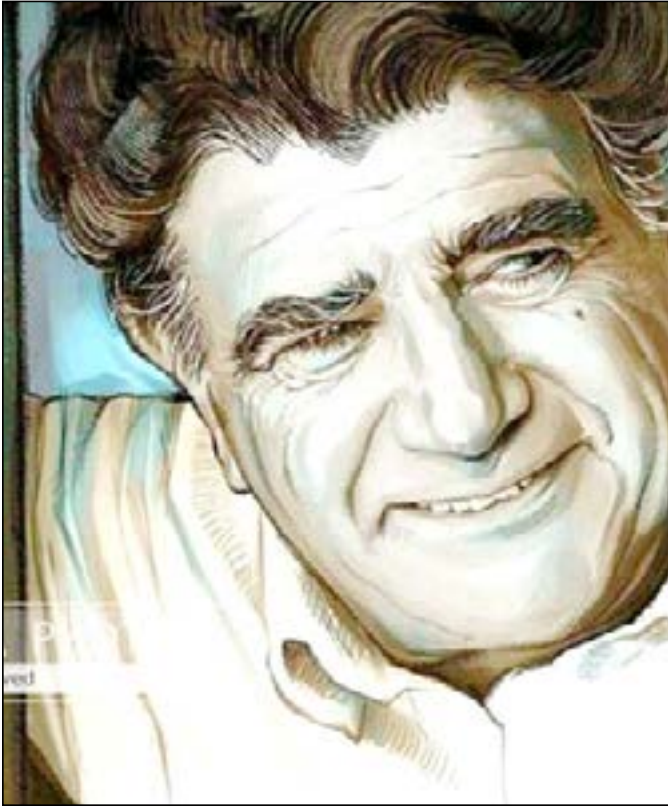
حسن نقاشی (مستند ساز):

مستندهای ساخته شده از شجریان درباره هنر او نبوده‌اند

با قوه قهریه و جبهه‌گیری علیه هنرمند نمی‌توان نظر تاریخ را تغییر داد

همیشه در یارکشی‌های سیاسی آدم‌ها را دسته‌بندی کرده‌ایم

تلاش نکرده‌اند که اطلاعاتی از یک صد سال اخیر موسیقی داشته باشند. شخصاً در حال انجام کاری هستم و بر اساس اطلاعاتی که جمع کرده‌ام باید بگویم که شاید ایران در خاورمیانه تنها جایی باشد که صفحات سنگی به‌جا مانده از آن ثابت می‌کند چقدر موسیقی در دوران قاجار و پهلوی اول رونق داشته و اصیل بوده است که امروز ما ده، پانزده هزار صفحه داریم که شنیدن هر کدام از این صفحه‌ها برای مخاطب امروز مانند خواندن کتاب است. وجود انواع دستگاه موسیقی، نوازندگان و شعرای مختلف نشان می‌دهد که ما قدرت موسیقایی داشتیم. به همان صورت که در دوران قاجار، عکاسی به واسطه علاقه دربار به عکاسی، رونق پیدا می‌کند؛ احساس می‌کنم آن علاقه‌ای هم که به موسیقی در دوران قاجار وجود داشته، باعث می‌شود



خیلی زود دستگاه‌های ضبط موسیقی وارد ایران شود و به این طریق آثار نوازندگان آن زمان ثبت می‌شود.

کشوری همچون ایران که غنا و تاریخچه‌ای به این صورت دارد و موسیقی در قرون مختلف بین عرفای آن جایگاه ویژه‌ای داشته است، امروز دوران بی‌هویت موسیقی خود را سپری می‌کند. برای همین وجود آدم‌هایی مثل شجریان و فراتح حفظ و نگهباری آن‌گفته‌ها چه در راش‌های من چه در هر فیلم دیگری، ضرورت دارد. باز تاکید می‌کنم به عنوان یک مستندساز و به عنوان کسی که چندین سال است در این سینما فعالیت می‌کنم، متأسفم که واقعا فیلم تخصصی درباره شجریان ساخته نشده است. حتی مدیران فرهنگی ما باید این درس را سرمشق خود کنند تا پرتره دیگری که هنوز برای آنها فرصت هست، ضبط شود و دولت و مدیران ما برای این کار راغب باشند.

♦ **با وجود اهمیت شجریان در موسیقی آوازی ایران، چرا هنوز مستند با کیفیتی از او ساخته نشده و آیا اهمیت شجریان تنها محدود به موسیقی است؟**
به هر حال ما از دهه ۵۰ به بعد فردی داریم به نام شجریان که توانسته در این شرایط بی‌هویت، در موسیقی یک مانایی ایجاد کند. البته دیگری هم هستند که باید از آنها یاد کرد. مثل استاد ناظری که واقعا جا دارد ما از ایشان کارهای جدیدی بشنویم. درباره ایشان یک فیلم ساخته شده است. البته ارتباط جماعت جوان با آقای شجریان که یک پیر جهان‌دیده است، خیلی نزدیک نبوده ولی شاید ارتباط آقای ناظری با جوان‌ها باعث شده مستند درباره او زودتر ساخته شود. حرف من این است که می‌شود شرایطی فراهم کرد تا آقای شجریان برای ما به‌عنوان الگوی موسیقایی معرفی شود. کلیپ و مصاحبه بسیاری از او داریم ولی هیچکدام از مستندهای ساخته شده از او تخصصی نیستند. شاید فردا کسی همه این راش‌ها را جمع کند و یک فیلم هم بسازد و گوشه‌ای از زندگی و کار و تلاش او را نشان دهد. ولی اینکه مثلاً مستند با حضور خود آقای شجریان از صفر تا ۱۰۰ ساخته می‌شد و در کنارش پرت‌های شکل می‌گرفت و آنچه باید از ایشان بشنویم را از خودشان می‌شنیدیم، اتفاقی بود که جای آن در سینما و بین مردم خیلی خالی‌ست. ♦ **تا چه اندازه از مستندهایی که جناح‌های مختلف درباره شجریان ساخته‌اند، برخی با رویکرد محض سیاسی و برخی برای تبلیغ ایدئولوژی مدنظر خودشان، به واقعیت نزدیک هستند؟**

در مستندهای بیوگرافی که در جهان هم ساخته می‌شود، ما با این قضیه مواجهیم. به‌طور کلی نگرش‌های سیاسی در تمام دنیا موفقان و مخالفان خاص خود را دارد و ما باید این را بیاموزیم و یاد بگیریم و جزو فرهنگ عامه‌مان بشود که زندگی شخصی یک آدم را با هنرش مخلوط نکنیم. بزرگی می‌گوید که هنر فرد با شخصیت هنرمند کاملاً متفاوت است. هنر فرد می‌تواند برای جامعه رهنما باشد؛ می‌تواند جامعه را دگرگون کند ولی شخصیت فرد به باورها و اعتقادات فردی او برمی‌گردد و ما بین این دو باید فرق بگذاریم. در سیاست، فرهنگ و حتی مسائل خیلی کوچک جامعه هنوز به پختگی نرسیده‌ایم که یک میراث‌دار هستیم و نباید سلیقه‌ای با آثار آنها برخورد کنیم.

از سوی دیگر ما در طول تاریخ شاعرانی داشته‌ایم که به زمانه خودشان انتقادهایی داشتند، ولی چه جalahایی بر سر آنها آمده است. جامعه آنها را پذیرفته و آنها جلو آمده‌اند و امروز مانا شدند. قرار نیست با قوه قهریه و جبهه‌گیری علیه آنها بتوانیم نظر تاریخ را دگرگون کنیم. آثار، میراث و هنر خوب و ماندگار باقی می‌ماند و این فارغ از مباحث سیاسی است. ما در حال صحبت از آدمی هستیم که عمرش را برای هنر گذاشته است، به نظرم در خود ایران و در تلویزیون ایران باید میراث‌دار او باشیم و از او یاد کنیم نه اینکه دیگران این کار را برای ما بکنند. ما باید ثابت کنیم که هنر یک هنرمند از خود او بریمان مهم‌تر است.

♦ **آیا هیچکدام از مستندهای ساخته شده درباره محمدرضا شجریان، پوشش دهنده هنر او نبوده است؟**
قویاً همین‌طور است. ماجرا این بوده که هیچکدام از این آثار نتوانسته شجریان را به رخ ما بکشد. فکر می‌کنم که این مردم و علاقمندان به موسیقی هستند که با گوش کردن به آهنگ‌های او می‌توانند آنها را حفظ کنند. ما در این مملکت چه خواننده‌هایی داشته‌ایم که به دلیل نبود امکانات ضبط درست، صدایی از آنها باقی نمانده است. به تازگی دانشگاهی در برلین؛ موسیقی منتشر کرده که مربوط به ۱۰۰ سال پیش ایران است. وقتی آن را گوش می‌کنید با وجود تمام بی‌کیفیتی که دارد، دستگاه‌هایی را می‌شنوید که حتی امروز تکرار نشده است. این نشان می‌دهد که آن خواننده در دوران خود در گمنامی مانده است. ولی امروز ما در عصر دیجیتال زندگی می‌کنیم و باید از آدم‌ها و کاری که کرده‌اند و اهمیت کار آنها بدانیم. به همین خاطر است که می‌گویم چون به این دانش رسیده‌ایم باید از شجریان مستندهای خوبی ساخته می‌شد که متأسفانه ناساخته‌ایم. این کوتاهی تقصیر کیست؟ این سوالی است که در واقع باید متولیان موسیقی در ایران به آن پاسخ دهند. گفتگو: حامد قریب

پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۹

خبر

گریم متفاوت باران کوثری و امیرحسین رستمی در فیلمی کم‌دی



بخش فرهنگی – به تازگی تصویری از باران کوثری و امیرحسین رستمی با گریم متفاوت در فیلم سینمایی «گیجگاه» با کارگردانی عادل تبریزی منتشر شده است. فیلم سینمایی «گیجگاه» با کارگردانی عادل تبریزی که فیلمبرداری آن به تازگی پایان یافته و تدوین آن حدود دو هفته است آغاز شده، اولین فیلم بلند سینمایی این کارگردان است. سینمایی «گیجگاه» نگاهی به چند دهه سینمای ایران دارد و ژانر آن نیز کم‌دی است. جمشید هاشم پور، حامد بهداد، باران کوثری، سروش صحت، فرهاد آئیش، بهرنگ علوی، امیرحسین رستمی، نادر سلیمانی، بیژن بنفشه خواه، سیاوش چراغی‌پور، محمد الهی، مریم همتیان، ایمان اسماعیل پور، علی باغفر، حامد شیخی، داود ونداده و با معرفی بازیگر نوجوان علی راد و با هنرمندی حسن رضایی و رضا صفایی پور بازیگران «گیج‌گاه» هستند.



بازگشایی دیزنی‌لند در چین

ضرر یک میلیارد دلاری بزرگ ترین کمپانی هالیوود

بخش فرهنگی – شرکت والت دیزنی می‌خواهد دیزنی‌لند پارک شانگهای را روز یازدهم می دوباره باز کند. این پارک ماه‌هاست که به خاطر شیوع کروناویروس بسته بوده است. باب چاپک مدیر عامل جدید شرکت دیزنی اعلام کرد این کمپانی قصد دارد از یازدهم ماه می (۲۲ اردیبهشت) دوباره به مهمانان دیزنی در شانگهای خوش‌آمدگویی کند. دیزنی تخمین می‌زند که اثر کروناویروس بر بخش پارک‌ها، تجربه‌ها و محصولات شرکت بسیار عظیم بوده و حدود یک میلیارد دلار به شرکت خسارت وارد کرده است.

چاپک گفت دیزنی در حال «بررسی سناریوهای مختلف برای اطمینان حاصل کردن از اعمال رویکردی محتاطانه، معقولانه و دقیق» است تا بتواند دوباره پارک‌ها را افتتاح کند. او گفت کنترل تراکم جمعیت، ظرفیت محدود و تدابیر سلامتی همگی از جمله کارهایی هستند که تحت بررسی قرار دارند. پارک شانگهای ۸۰ هزار نفر ظرفیت دارد اما تحت محدودیت‌های دولتی باید نهایت با ۳۰ درصد ظرفیت فعالیت کند که چیزی معادل ۲۴ هزار بازدیدکننده در روز حقوق بود. چاپک گفت پارک با ظرفیت کمتر از ۳۰ درصد دوباره افتتاح خواهد شد و بعد از چند هفته به رقم ۲۴ هزار نفر می‌رسد.

دیزنی‌لند شانگهای نخستین پارکی بود که بسته شد و در پایان ژانویه درهای خود را به روی بازدیدکنندگان بست. دیزنی‌لند هنگ‌کنگ هم با فاصله کمی بسته شد و دیزنی‌لند توکیو و دیزنی‌سی توکیو هم اواخر فوریه بسته شدند.

پارک‌های داخل ایالات متحده از اواسط مارس بسته شدند. دیزنی ابتدا امیدوار بود بتواند آن‌ها را تا اواسط آوریل باز کند اما وقتی مشخص شد این امکان وجود ندارد، آن‌ها را بدون اعلام تاریخ بازگشت، بست. این مساله باعث تعدیل شدن جمعی از کارمندان شد. مدیران هم مصون نبوده‌اند و خود چاپک قبول کرد تا حقوقش با کاهش ۵۰ درصدی رویه‌رو شود. رییس هیات مدیره و مدیر عامل سابق شرکت باب ایگر هم کل حقوق خود در دوران کرونا را حذف کرد.

تحلیل‌گران پیش‌بینی‌های مالی دراز مدت خود برای شرکت را کاهش داده‌اند و کاهش درآمد پارک‌های موضوعی یکی از دلایل اصلی این امر بوده است. مایکل تیننسون از شرکت موفت‌نیتنسون تخمین زده دریافتی دیزنی از پارک‌های موضوعی در سال مالی جاری با کاهشی ۳۳ درصدی به ۱۷.۷ میلیارد دلار برسد و درآمد کل شرکت هم با کاهشی ۶۵ درصدی معادل ۲.۴ میلیارد دلار باشد.



نجف دریابندری به خاک سپرده شد

بخش فرهنگی – پیکر مرحوم نجف دریابندری نویسنده و مترجم پیشکسوت کشور (چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت) در بهشت سکینه کرج به خاک سپرده شد. نجف دریابندری، صبح روز چهارشنبه در بهشت سکینه کرج و در کنار مزار همسرش، فهیمه راستکار به خاک سپرده شد. این مراسم به دلیل شرایط واگیر بیماری کرونا تنها با حضور خانواده و نزدیکان این مترجم برگزار شد.

دریابندری ۱۵ اردیبهشت در سن ۹۱ سالگی پس از عمری تلاش در راه اعتلای فرهنگ درگذشت. او زاده ۱ شهریور ۱۳۰۸ در آبادان بود. ترجمه برخی از آثار ارزست همینگوی، نظیر کتاب وداع با اسلحه از جمله شاهکارهای او است. سازمان میراث فرهنگی ایران، در سال ۱۳۹۶، آقای دریابندری را به عنوان گنجینه زنده بشری ثبت کرد. دریابندری از سال‌ها قبل به دلیل چند سکنه مغزی و بستری شدن در بیمارستان و از دست دادن همسرش دست از کار کشیده بود.